

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

امکان معرفت به خدای فطری

شناسنامه مطلب	
t-116	کد مطلب
تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/خدا	رده
اصلاح نگرش، خدای فطری، خدای واقعی، نشانه‌ها	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

آیا محال است انسان، خدا را بشناسد؟ و اصلاً نباید در این باره فکر کنیم، نکند مشرک بشویم؟ یا این که ممکن است انسان، خدا را بشناسد و به وصف خدا برسد و اتفاقاً آن توصیف، صحیح هم باشد و حتی مورد امضای خدا هم قرار بگیرد.

بله؛ اگر کسی از راه تعقل، به ذات خدا بخواهد برسد، به کفر می‌رسد. اما منبع شناخت انسان، فقط قوه عقل نیست. اگر معرفت از راه دل باشد، نه تنها به کفر نمی‌کشد، بلکه به واقعیت‌های صفات خدا می‌رساند.

خداوند در سوره «صافات»، در آیات ۱۵۹ و ۱۶۰ می‌فرماید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ. إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ»

خود این آیه نشان می‌دهد که در معرفت بسته نیست و امکان راه‌یابی به صفات الهی وجود دارد. چون خداوند در این آیه استثنا زده است.

البته ارزش عقل بالاست، اما در مورد خدا و صفات او، منبع دیگری برای شناخت، لازم است که با عقل، تقابل ندارد. این دو منبع، دو نورانیت هم جوار هستند؛ اما منبع، منبع دیگری است. از راه فطرت باید به خدا رسید. فطرت، ما را به مرحله مخلصین می‌رساند. مخلص هم نمی‌تواند خدا را توصیف کند.

ریشه افراط و تفریط‌های ما به نام مذهب و دین، از این است که خدای ما خیالی است و اعتدال در آن نیست. اما آن کسی که حنیفاً است (یعنی پاک از هر گونه تعدی و کندی و ...) این گونه نیست، بلکه ایمانش به خدا فطری بوده و در صراط مستقیم است.

شبهه فکری را جواب گفتن، زیاد سودی ندارد. اگر فطرت شکوفا شود، بسیاری از سؤالات، بدون توجیه حل خواهد شد.

قرآن کارهای نیک کسانی را عمل صالح می‌گوید که، برخاسته از فطرت باشد؛ وگرنه يك مشت خیال بافی است؛ کار در خیال تو خوب است. خداوند در سوره «کهف» آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ می‌فرماید:

«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا. الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يُحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا»

آن هم در حالی که خیال می‌کنند که آنها خیلی زیبا و جالب کار می‌کنند و خودشان را راضی می‌کنند که چه عالی فلان کار را انجام می‌دهند. **ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**، کوشش ایشان در زندگی این دنیا تلف شده و می‌پندارند که رفتار نیکو دارند.

کسی که از خودش راضی شد، دیگر راهش بسته شده است، چون تا احساس درد نکند، دنبال درمان نمی‌رود.

خداوند در سوره «روم» آیه «(۳۰)» می‌فرماید: **«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»**

نکته تکان دهنده این آیه، این است که بسیاری از مردم نمی‌دانند که باید از راه فطرت به دین قیم رسید. این علم که از راه فطرت به آن می‌رسیم، دایره‌اش وسیع تر از منبع عقل است، اما آن را هم شامل می‌شود.

سؤال: چرا این معرفت در دست عده معدودی افتاد؟ اگر این همه مهم بود، باید طوری می‌شد که همه در این راه قرار می‌گرفتند، پس چرا چنین نشد؟

اتفاقاً این سؤال ماست که چه عواملی در تاریخ دخالت کرد و چه عواملی باعث شد که به این جا برسیم؟ اصلاً اشخاص، که هستند که ما با تعداد آن‌ها، به ارزش علم برسیم؟! میلیون‌ها سال بود و این علم، در پرده غیب بود. با حق باید اشخاص را سنجید، نه این که حق را با اشخاص بسنجیم.

نشانه‌ای از ایمان فطری: **«... أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرَادَى»** (سوره سبأ، ۴۶)

کتاب فطرت، پایگاه ندای پاک فطرت